



A Qur'anic and Hadith-Based Analysis of the Role of Justice in Qiṣāṣ (Retribution) and Its Reflection in Iran's Legal System

Mohammad Asdaqpour¹

Zohreh Kashani²

Mohammad Javad Azad³

Abstract

The Holy Qur'an contains numerous verses addressing the ordinance of Qiṣāṣ (Retribution), which can be hermeneutically categorized into three primary classifications: The first comprises verses affirming the inviolability of life and the prohibition of unlawful killing; the second delineates the grave consequences of Homicide and its divinely ordained punishment as a deterrent; and the third expounds upon the juridical rulings for both intentional and unintentional Homicide, including the provisions for Diyah (Blood Money) and Qiṣāṣ. In its legislation, the Divine Lawgiver has placed paramount emphasis on the upholding of 'Adl (Justice). While the specific term may not be explicitly mentioned in the pertinent verses, its principle is incontrovertibly inferred through implicit deduction from the nuanced composition and lexical precision of the text. Furthermore, Nahj al-Balāghah - the compendium of sermons, letters, and sayings of Imam 'Alī (AS) - provides extensive exposition on the concept of 'Adl, mandating its comprehensive application across all facets of individual and communal life. This study, employing a descriptive-analytical methodology, aims to delineate the position of Justice within the doctrine of Qiṣāṣ. Its findings posit that 'Adl, in this context, is not synonymous with mere equality or uniformity. As per the Islamic Penal Code of Iran, if the execution of exact retribution would result in a disproportionate or greater physical harm to the perpetrator than that inflicted upon the victim, the application of Qiṣāṣ is impermissible, and the recourse is limited to the extraction of Diyah. The synthesis of Qur'anic and 'Alid (from Nahj al-Balāghah) discourse on this matter underscores the Shari'ah's imperative for scrupulous adherence to Justice in Qiṣāṣ, elucidating the dimensions of this social norm which is fundamental to societal integrity and the preservation of enduring security.

Keywords: Justice ('Adl), Retribution (Qiṣāṣ), Homicide, Blood Money (Diyah), Qur'an, Nahj al-Balāghah, Iran's Legal System.

Citation: Asdaqpour, M., Kashani, Z., Azad, M.J. (2025). "A Qur'anic and Hadith-Based Analysis of the Role of Justice in Qiṣāṣ (Retribution) and Its Reflection in Iran's Legal System". *Hadith-based Qur'anic Research*, 1 (2), 63-79. (In Persian)

* Received: 2025/04/09, Revised: 2025/05/22, Accepted: 2025/06/22.

1. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Hazrat-e Masoumeh University, Qom, Iran. Email: M.asdaqpour@hmu.ac.ir.

2. M.A. Student, Hadith Sciences in the Field of Nahj al-Balāghah, Faculty of Theology and Law, Hazrat-e Masoumeh University, Qom, Iran. Corresponding Author Email: Z.kashani@hmu.ac.ir.

3. Graduate of M.A., Public Law, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran. Email: M.javadaazad@hmu.ac.ir.



تحلیل قرآنی-روایی بر جایگاه عدالت در قصاص و بازتاب آن در نظام حقوقی ایران

۱ محمد اصدق پور

۲ زهره کاشانی

۳ محمد جواد آزاد

چکیده

در قرآن کریم، آیاتی پیرامون موضوع «قصاص» وجود دارد که به‌طور کلی در سه دسته جای می‌گیرند: دسته اول آیات دال بر حرمت قتل و کشتن نفس، دسته دوم اشاره به تبعات منفی انسان‌کشی و عقوبت آن به‌منظور برحذر داشتن مردم از ارتکاب جرم، و دسته سوم بیان حکم هریک از انواع قتل عمد یا غیرعمد و پرداختن به بحث دیه و قصاص. خداوند متعال در تشریح قوانین مربوط به این موضوع، تأکید ویژه‌ای بر رعایت «عدالت» نموده است و اگرچه لفظ آن به‌طور صریح در هیچ‌کدام از آیات مرتبط مشاهده نمی‌شود، اما به دلالت التزامی می‌توان از ظرافت‌های موجود در چینش عبارات و نیز کاربست واژگان، چنین مفهومی را استنباط کرد. همچنین نهج‌البلاغه که در بردارنده سخنان امام علی علیه السلام است، به‌طور گسترده‌ای «عدالت» و لزوم اجرای کامل آن در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی را برجسته نموده است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با هدف تعیین جایگاه عدالت در مسئله قصاص به‌نگارش درآمده است و یافته‌های آن نشان می‌دهد «عدالت» لزوماً به معنای «یکسانی و برابری» نیست. بر اساس قانون مجازات اسلامی، در صورتی که با قصاص مشابه، ضارب ضرر جانی بیش از آنچه که به شخص مقابل وارد کرده است ببیند، اجرای قصاص ممکن نبوده و به اخذ دیه از او اکتفا خواهد شد. همچنین، آنچه از مجموع عبارات قرآن و نهج‌البلاغه در این زمینه به‌دست می‌آید، تأکید شریعت بر اجرای دقیق عدالت در بحث قصاص و تبیین جوانب این هنجار اجتماعی است که تأثیرات فراوانی بر سلامت جامعه و حفظ امنیت پایدار آن خواهد داشت.

واژگان کلیدی: عدالت، قصاص، قتل نفس، دیه، قرآن، نهج‌البلاغه، نظام حقوقی ایران.

استناد: اصدق پور، محمد؛ کاشانی، زهره؛ آزاد، محمد جواد (۱۴۰۴). «تحلیل قرآنی-روایی بر جایگاه عدالت در قصاص و بازتاب آن در نظام حقوقی ایران». قرآن‌پژوهی‌روایی، ۱ (۲)، ۶۳-۷۹.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۲۰؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۳/۰۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱.

۱. استادیار گروه معارف اسلامی، دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام، قم، ایران. رایانامه: M.asdaghpour@hmu.ac.ir.

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم حدیث؛ گرایش نهج‌البلاغه، دانشکده الهیات و حقوق، دانشگاه حضرت معصومه علیها السلام، قم، ایران. رایانامه نویسنده مسئول: Z.kashani@hmu.ac.ir.

۳. دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. رایانامه: M.javadazad@hmu.ac.ir.

۱- بیان مسئله

با آغاز پیدایش حیات بر روی کرهٔ خاکی و خلقت حضرت آدم علیه السلام، ریشه‌های جرم و جنایت نیز در میان مردمان پدیدار گشته است. اولین نمونهٔ بارز آن، قتل هابیل به دست برادرش قابیل بود که از روی حسادت، حرص، طمع و خودخواهی صورت گرفت. سپس، در ادوار زمانی مختلف و به علت‌های گوناگون، وقوع جرایم به اشکال متفاوت رواج یافت و تاکنون نیز ادامه دارد. با ظهور دین اسلام در جامعه‌ای که فرهنگ جاهلیت بر روح آن حاکم شده بود، بسیاری از آداب و رسوم برخاسته از جهل و جاهالت که گاه از روی تعصبات قومی و قبیله‌ای انجام می‌گرفت، کنار رفت و مبانی اخلاقی و انسانی جایگزین فرهنگ غلط قومیت‌گرایی در میان اعراب شدند. آن‌ها در مقابل کشته شدن فردی از طایفهٔ خود، چند تن از افراد طایفهٔ مقابل را به قتل می‌رساندند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۰۳) و بدین صورت، خون‌های زیادی به ناحق بر زمین ریخته می‌شد. بدیهی است تغییر این رویهٔ ریشه‌دار و منجر به اسراف در قتل، نیازمند ارائهٔ چارچوبی قانونی-اخلاقی جایگزین و الزام‌آور است. در این شرایط، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله که به‌عنوان فرستادهٔ خداوند و پیام‌آور رحمت بر جهانیان مبعوث شده بود، آیاتی از جانب پروردگار بر مردم تلاوت می‌کرد که در آن بر رعایت عدالت و همسانی در تقاص گرفتن از مجرمان تأکید دارد. اگرچه لفظ «عدالت» به‌طور صریح در این آیات قید نشده است، اما چیدمان واژگان و نحوهٔ به‌کارگیری تعابیر به گونه‌ای است که این برابری و تناظر را در اذهان خوانندگان نقش می‌بندد. قصاص در ذات خود امر پسندیده‌ای است که بازدارندگی‌اش، ضامن حفظ حیات سایر افراد جامعه خواهد بود؛ اما هرگونه افراط در آن، از نظر اسلام به‌شدت مذموم است. بنابراین کسی که از حدود تعیین‌شدهٔ الهی پا را فراتر نهاده و موجب از دست رفتن جان انسان‌های زیادی گردد، مستحق عذابی دردناک خواهد بود؛ همان‌گونه که قرآن کریم فرموده است: «مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا» (مائده: ۳۲)؛ هرکس، انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همهٔ انسان‌ها را کشته [است]. و نیز فرموده است: «وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَّهِ سُلْطَانًا فَلَا يَسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا» (اسراء: ۳۳)؛ و کسی را که خداوند خونش را حرام شمرده [است]، جز به حق به قتل نرسانید؛ و آن کس که مظلوم کشته شده [است]، برای ولی‌اش سلطه و حق قصاص قرار دادیم؛ اما در قتل زیاده‌روی نکنید، چراکه او مورد حمایت است.

در این اثر تلاش بر آن است تا با روش تحلیلی-توصیفی و مبتنی بر داده‌های کتابخانه‌ای، اهمیت عدالت در زمینهٔ مباحث مرتبط با قصاص از منظر آموزه‌های قرآن و نهج‌البلاغه تبیین گردد و پاسخی برای سؤالات زیر به‌دست آید: ۱- عدالت در قصاص از دیدگاه آیات قرآن کریم چه جایگاهی دارد؟ ۲- مؤیدات حدیثی کلام الهی در بیانات امام علی علیه السلام پیرامون این مسئله کدام است؟ ۳- قصاص عادلانه در قوانین ایران چگونه ارزیابی می‌شود؟

۲- پیشینه تحقیق

مقالات موجود در این زمینه، از نگاه جنسیتی به مبحث فوق پرداخته‌اند و با رویکرد این پژوهش همخوانی ندارند؛ همچون مقاله «جنسیت و عدالت در قصاص» نوشته بابک پورقهرمانی و علی صابر نژاد، و مقاله «تکافؤ جنسیتی در قصاص نفس» نوشته احمد شکوهی و محمد نوذری. مقالات دیگری نیز به رشته تحریر درآمده است که به فراخور بحث در این نوشتار مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ از جمله: «تناسب جرم و مجازات بر اساس آیات قصاص» نوشته عیسی علیان و محمد فاکر میبدی، «بررسی اخلاقی فضیلت عدالت در آیات الاحکام با رویکرد تحلیل اخلاقی آیات قصاص» نوشته احمد هاشمی علی‌آبادی و جواد حسن‌زاده، و «بررسی آیات قصاص و وجوه حیات بخشی آن» نوشته محمدرضا نوری. مقالات نام‌برده اغلب با هدف بررسی تناسب در جرائم و میزان مجازات آن‌ها انجام گرفته و در هیچ‌کدام از پژوهش‌های فوق، عدالت در قصاص به‌طور تطبیقی میان آموزه‌های قرآن کریم، نهج‌البلاغه و در نسبت با جایگاه آن در نظام حقوقی ایران مقایسه نشده است.

۳- مفهوم‌شناسی

«عدالت» (Justice) از ریشه «عدل» به معنای حکم دادن به حق (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۸؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۴۶) و متضاد جور و ستم (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۵، ص ۱۷۶۰؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۴۷) است. راغب در مفردات چنین می‌نویسد: «عدالت لفظی است که معنای تساوی را اقتضا می‌کند و به اعتبار هم‌نشینی (با آن) در این مورد هم به کار می‌رود» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۵۱). علامه طباطبایی این‌گونه معنا کرده است: «هي إعطاء كل ذي حق من القوى حقه، و وضعه في موضعه الذي ينبغي له» (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۳۷۱)؛ عدالت این است که هر نیروی صاحب حقی به آنچه حق اوست برسد و در جایگاهی که سزاوارش است قرار گیرد. با این حساب عدالت لزوماً به معنای تساوی و برابری ظاهری نیست (رحمت کاشانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۲۴) و استعدادها و شایستگی‌های هرفرد را هم در نظر دارد. چه بسا در برخی موارد، عدالت و مساوات دو مقوله جدا از هم باشند. از دیگر معانی ماده «ع د ل» می‌توان به عدول کردن (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۵، ص ۱۷۶۱)، شبیه و نظیر (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۸)، شریک گرفتن (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۴۷)، فدیة (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۳۹)، راست نمودن (قوام‌بخشی)، کج نمودن (انحراف) (ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۲۴۶) و نیز معتدل بودن (همان، ۲۴۷) اشاره کرد.

«قصاص» (Retaliation) از ریشه «قصص» به معنای پیگیری اثر یک چیز (جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۳، ص ۱۰۵۱؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۱)، بریدن (کوتاه کردن) و تقاص پس گرفتن از جراحات و حقوق ضایع شده (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۱۰؛ ابن‌فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۱) می‌باشد. در اصطلاح فقهی، قصاص بر عقوبت جانی به مثل آن جنایتی که رخ داده اطلاق می‌شود (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۳۴)

و در وجه تسمیه آن، چنین گفته شده است که چون «قصاص نفس» قتلی است که پشت سر قتل دیگری قرار می‌گیرد، به همین جهت این واژه برای آن به کار می‌رود (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۰۴).

در ماده ۱۶ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ چنین آمده است: «قصاص، مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضا و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می‌شود» (قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، www.rc.majlis.ir) و دلیل آن به حکم آیه شریفه قرآن است که فرمود: «وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ» (نحل: ۱۲۶)؛ و هرگاه خواستید [ستمگر را] مجازات کنید، تنها همان‌گونه که به شما تعدی شده [است] کیفر دهید.

توجه به این نکته ضروری است که مجازات هر جرم، باید به میزانی که به ارزش‌ها و هنجار مورد قبول جامعه آسیب رسانده است، از شدت برخوردار باشد؛ در غیر این صورت خلاف عدالت است و به عبارت دیگر، آنچه مجری و تأمین‌کننده عدالت است، خود مخالف عدل و از مصادیق ظلم خواهد بود (علیان و فاکر میبیدی، ۱۳۹۷، ص ۳۷).

قصاص به دو صورت «قصاص نفس» و «قصاص عضو» انجام می‌گیرد و در ۹۰ ماده از مواد قانون مجازات اسلامی، به جنایات عمدی مستحق این دو نوع قصاص پرداخته شده است. البته لازم به ذکر است تمام جنایات عمدی، لزوماً منتهی به قصاص نمی‌شود. در برخی موارد به دلیل عدم امکان اجرای قصاص، مجرم به دیه و تعزیر بدل از قصاص محکوم می‌گردد که در ادامه بیان خواهد شد.

۴- عدالت در قصاص از منظر قرآن کریم

رخداد جرایمی چون قتل نفس - عمد یا غیرعمد - در هر اجتماعی دور از انتظار نیست. اسلام، به عنوان جامع‌ترین و آخرین دین الهی باید در قبال چنین حوادثی طرح و برنامه منطقی و عادلانه ارائه دهد که جلوی ازدیاد و تکرار این جنایات و نیز انتقام‌های نابجای در پی آن را بگیرد؛ تا افراد جسور نشوند و خون مظلوم هم به هدر نرود (قرآنی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۷۳). خداوند متعال، با هدف جلوگیری از افراط و تفریط، دستور به اجرای قصاص در طریق عادلانه‌ای داده و اغلب در کنار بحث از مقابله به مثل، سخن از «عفو» نیز به میان آورده است تا در جوامع مسلمان روحیه عاطفی و برادرانه حکم فرما شود؛ چراکه عقوبت خواهی ذاتاً با خشم و شدت همراه است و هر لحظه امکان وقوع حادثه‌ای بدتر از آنچه رخ داده، میان دو طرف وجود دارد.

قصاص در اسلام دریچه‌ای به سوی حیات و زندگی انسان‌ها معرفی شده (بقره: ۱۷۹) و انجام آن، نه به منظور انتقام جویی، بلکه تنها با هدف عدالت خواهی صورت پذیرفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۰۶ و ۶۰۹)؛ بنابراین هدف از بیان احکام قتل عمد، حدود، دیات و تعزیرات در قرآن کریم، اهمیت تأمین نظم عمومی در نظام اسلامی (جوادی آملی، ۱۴۳۶ق، ج ۹، ص ۱۶۰) و پایداری حق حیات افراد در جوامع است.

مواردی از آیات قرآن کریم، مستقیم یا غیرمستقیم به مسئله قصاص، جواز، کیفیت اجرا و شرایط تحقق

آن اشاره دارد؛ از جمله سوره بقره آیات ۱۷۸، ۱۷۹ و ۱۹۴؛ سوره مائده، آیه ۳۲ و ۴۵؛ سوره نحل، آیه ۱۲۶؛ سوره کهف، آیه ۷۴؛ سوره غافر، آیه ۴۰؛ و سوره شوری، آیه ۴۰. محور بحث در این پژوهش، متمرکز بر آیات ۱۷۸ سوره بقره و ۴۵ سوره مائده می‌باشد؛ چراکه رویکرد این دو آیه، موضوع «عدالت» در قصاص را برجسته نموده است؛ هرچند در ضمن مفهوم تمام آیات فوق، بحث از یکسانی و تناسب میان جرم و مجازات وجود دارد و به سه طریق «رعایت مساوات در کمیّت»، «ظلم نکردن بعد از تخفیف» و «مماثله در اجرای قانون قصاص» از آن سخن به میان آمده است (هاشمی علی‌آبادی و حسن‌زاده، ۱۴۰۰، ص ۱۷۶). اگرچه لفظ عدالت به‌طور صریح در هیچ‌کدام از آیات قصاص مطرح نیست، اما به دلالت التزامی قابل استنباط از آیات مرتبط در این‌باره است (همان).

۴-۱- سوره بقره، آیه ۱۷۸

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحَرُّ بِالْحَرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَىٰ بِالْأُنْثَىٰ...﴾ (بقره: ۱۷۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! حکم قصاص در مورد کشتگان، بر شما مقرر شده است: آزاد در برابر آزاد، و برده در برابر برده، و زن در برابر زن.

نخست باید گفت حکم این آیه درباره قتل عمد بوده و مفسران نیز در آن اختلافی ندارند؛ چراکه قصاص تنها در قتل عمد موضوعیت دارد و در غیر از آن مثل قتل سهوی یا شبه‌عمد اجرا نمی‌شود (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۴۷۹؛ مغنیه، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۸۹). حال اگر فردی به‌عمد زندگی شخص دیگری را ساقط کرده باشد و اولیای دم درخواست قصاص کنند، رعایت مساوات و جوانب عدالت در اجرای این حکم ضروری است. با توجه به اینکه در دوران جاهلیت به‌جهت تعصبات فردی و قبیله‌ای، گاه در ازای قتل یک زن، یک مرد و یا در ازای قتل یک برده، یک آزاد کشته می‌شد و این رویه مشابه قانون جنگل (مغنیه، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۸۹) و از روی تبختر صورت می‌گرفت، آیه درصدد بیان این مفهوم است که شرط تناسب میان جرم و مجازات، جزء لاینفک قانون قصاص است و تخطی از این حد، گناه بزرگی محسوب می‌شود. همان‌گونه که قصاص حق ولی ذی‌حق جنایت (مقتول) است (نوری، ۱۳۹۴، ص ۱۲)، شرط «عدالت» در اجرای این حکم نیز همواره بدان پیوند خورده است؛ به همین دلیل، آیه شریفه به مسئله همسانی در تقابل به‌مثل که یکی از جزئیات مغفول‌مانده بحث قصاص در میان اعراب بوده می‌پردازد و اعلام می‌دارد در برابر آزاد، بنده و زن، همین افراد از طایفه مقابل مجازات شوند؛ یعنی همین شرایط در عامل جنایت نیز لحاظ شود، تا شرط مثلثیت و برابری رعایت گردد و معنای کامل قصاص تحقق یابد. باید توجه داشت هدف اصلی در این امر بررسی، تعقیب قانونی و بریدن ریشه‌ها و رویش‌های جنایت است و به همین دلیل خداوند آن را مکتوب و واجب گردانیده تا محیط اجتماع مسلمانان از هرگونه آلودگی ارتکاب جرم پاک شود؛ چراکه قدرت ایمان و وجدان برای جلوگیری از وقوع هنجارشکنی در جامعه کافی نیست (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۴).

موضوع قصاص، دارای نکته‌های ظریف حقوقی است که در کتب فقهی با دقت بیشتری مورد بحث قرار

گرفته است و آیه مذکور، تنها به کلیات آن اشاره دارد (بروجردی، ۱۳۹۷، ج ۱، ص ۲۰۷). یکی از نکات مطرح شده در آیه فوق، عبارت «الْأُنثَى بِالْأُنثَى» است که مصداق دیگری از عدالت در قصاص بوده و مفسران درباره آن به بحث و تفصیل پرداخته‌اند. دین اسلام، به دلیل نقش اقتصادی مرد در خانواده و وظیفه تأمین مخارج زندگی برای همسر و فرزند، دیه او را دو برابر دیه زن قرار داده است؛ از این رو، در صورت قتل زن به دست مرد، امکان قصاص مستقیم او وجود نداشته و اولیای مقتول (زن)، باید نصف دیه را - که تفاوت دیه زن و مرد است (انصاریان، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۱۴۰-۱۴۲) - به خانواده قاتل (مرد) بپردازند تا امکان قصاص فراهم گردد (جعفری، ۱۳۹۸، ج ۱، ص ۴۴۵؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۹۵؛ قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۷۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۱۱-۶۱۲). در روایتی از امام صادق علیه السلام نیز چنین آمده است: «لَا يُقْتَلُ الْحُرُّ بِعَبْدٍ وَلَكِنْ يُضْرَبُ ضَرْباً شَدِيداً وَ يُعْرَمُ دِيَّةَ الْعَبْدِ وَ إِنْ قَتَلَ رَجُلٌ امْرَأَةً فَأَرَادَ أَوْلِيَاءَ الْمَقْتُولِ أَنْ يَقْتُلُوا أَدَّوْا نِصْفَ دِيَّتِهِ إِلَى أَهْلِ الرَّجُلِ» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۷۵؛ ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹، ص ۸۶). این مسئله، تبعیض ارزشی میان زن و مرد نیست، بلکه يك تفاوت در حکم است؛ و تفاوت دو حکم مختلف درباره دو موضوع متفاوت، امری معقول، عادلانه و کاملاً منطقی است (انصاریان، ۱۳۹۸، ج ۴، ص ۱۴۰).

در جوامع اسلامی که کفار اهل ذمه زندگی می‌کنند این احکام جریان ندارد و آیه نسبت به چنین افرادی مسکوت است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۴۳۲). طبق ماده ۳۱۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، هرگاه غیر مسلمان، مرتکب جنایت عمدی بر مسلمان، ذمی، مستأمن و معاهد شود، حق قصاص ثابت است. در این امر، تفاوتی میان ادیان، فرق و گرایش‌های فکری نیست. اما اگر مسلمان، ذمی، مستأمن و معاهد، بر غیر مسلمانی که ذمی، مستأمن و معاهد نیست جنایتی وارد کند، قصاص اجرا نخواهد شد و مجرم، به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم می‌گردد.^۱

به هر صورت، آنچه که از آیه ۱۷۸ سوره بقره مستفاد می‌گردد، توجه به مسئله مهم رعایت مساوات در اجرای قانون قصاص است و آنچه که در آیه بعد، به‌عنوان دستاورد آن - حیات - مطرح شده، در گرو عمل به همین شرط می‌باشد؛ در غیر این صورت هیچ حیات‌بخشی در قصاص بی‌ضابطه وجود نخواهد داشت. نکته دیگر که در تحلیل معناشناختی آیه مذکور به چشم می‌خورد، استفاده از عبارت «كُتِبَ عَلَيْكُمْ» می‌باشد که دلالت بر وجوب قصاص دارد. قرآن کریم در موضوعاتی همچون وصیت (بقره: ۱۸۰)، روزه‌داری (بقره: ۱۸۳) و جهاد (بقره: ۲۱۶) نیز از این تعبیر استفاده کرده است و قصاص چهارمین موضوعی است که از آن با چنین عبارتی یاد می‌شود. در زبان عرب استعمال فعل ماضی از ماده «کتابه» در کنار حرف جر «علی» بر

۱. تبصره ۱ - غیرمسلمانی که ذمی، مستأمن و معاهد نیستند و دارای تابعیت ایران، یا تابعیت کشورهای خارجی بوده و با رعایت قوانین و مقررات وارد کشور شده‌اند، در حکم مستأمن می‌باشند.

تبصره ۲ - اگر مجنی علیه غیرمسلمان باشد و مرتکب، پیش از اجرای قصاص مسلمان شود، قصاص ساقط و علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات»، محکوم می‌شود.



القای حتمیت و تخلف‌ناپذیری حکم بعد از آن دلالت دارد که نمی‌توان از آن سرپیچی نمود (نوری، ۱۳۹۴، ص ۱۱). بنابراین، اجرای قصاص از جمله اوامر و دستورات الهی است که خداوند متعال با تأکید بر اهمیت آن، خواستار عمل به این فریضه مهم شده است؛ گرچه الزامی در این قانون وجود ندارد و همان‌طور که در ادامه آیه نیز آمده است، راه دیگری با عنوان عفو و بخشش هم هست که روش پسندیده‌تری است و بحث بر سر آن فراوان است. از آنجاکه رویکرد پژوهش اقتضای پرداختن به مسئله عفو را ندارد، باید از آن گذر نمود.

۴-۲- سورة مائده، آیه ۴۵

﴿وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصًا...﴾ (مائده: ۴۵)؛ و بر آنها [بنی اسرائیل] در آن [تورات]، مقرر داشتیم که جان در مقابل جان، و چشم در مقابل چشم، و بینی در برابر بینی، و گوش در مقابل گوش، و دندان در برابر دندان قصاص می‌شود؛ و جراحات نیز قصاص دارد.

همان‌گونه که پیداست، خداوند متعال با استعمال واژه «نفس» در مقابل «نفس» و نیز دیگر اعضای بدن در مقابل نظیر خود، رسم ظالمانه دوران جاهلیت را به کلی نقض نمود (جوادی آملی، ۱۴۳۶ق، ج ۹، ص ۱۶۰) تا همگان بدانند اجرای حکم قصاص برای افراد، تنها به اندازه و در مقابل ضرری است که به جان دیگران وارد می‌کنند. این آیه نیز همچون آیه شریفه قبل، بر مماثلت در اجرای قانون تأکید نموده و هشدار می‌دهد که خروج از جاده عدالت الهی مستوجب عذابی دردناک خواهد بود (هاشمی علی‌آبادی و حسن‌زاده، ۱۴۰۰، ص ۱۷۸). نکته دیگری که از فراز ابتدای آیه به چشم می‌خورد، این است که در ادیان گذشته نیز ردپایی از بحث قصاص وجود دارد؛ اما چگونگی تحقق و ضوابط آن در میان پیروان هر یک از این ادیان کمی متفاوت است. بر طبق آموزه‌های تورات که آیه فوق گزارش از مفاد آن می‌دهد، مجرم یا عفو، یا قصاص می‌شود؛ و صحبتی از دیه مطرح نیست (قرائتی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۰۳). همچنین در فصل ۲۱ سفر خروج، عباراتی مشابه آنچه در قرآن کریم آمده است وجود دارد: «و اگر اذیتی دیگر حاصل شود، آن‌گاه جان به عوض جان بده، و چشم به عوض چشم، و دندان به عوض دندان، و دست به عوض دست، و پا به عوض پا، و داغ به عوض داغ، و زخم به عوض زخم، و لطمه به عوض لطمه» (سفر خروج، فصل ۲۱، آیه ۲۳-۲۵؛ ر.ک: جعفری، ۱۳۹۸، ج ۳، ص ۱۵۸). بر خلاف یهود، در آیین مسیحیت به جهت رویکرد مهربانانه و از سر عطف که بر روح آن حاکم شده است، تراحم و رأفت حتی بر فرد قاتل نیز جریان دارد (انجیل متی، فصل ۵، آیه ۳۸-۳۹؛ ر.ک: حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۸۲؛ رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۴۰۱). آن‌ها در مورد قتل، به غیر از عفو و گرفتن خون‌بها حکمی نداشته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱، ص ۴۳۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۶۰۷)؛ هرچند امروزه برخی از مدعیان پیروی مسیح ﷺ، بر خلاف آموزه‌های کتاب مقدس (انجیل متی، فصل ۵، آیه ۳۸-۳۹) و شریعت خود، انتقام‌جویترین و شرورترین افراد روی زمین هستند! (رضا، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۴۰۱)

همان طور که از ظاهر آیه ۴۵ سوره مائده پیداست، در قتل نفس، جراحت چشم، بینی، گوش، دندان و... تنها باید همین اعضا از فرد ضارب قصاص شود، البته با شرط تساوی سلامت آن عضو در بدن هر دو فرد و نیز «امکان» تقاص گرفتن در قبال زخم‌های واردآمده (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۰۸؛ فضل‌الله، ۱۴۳۹ق، ج ۵، ص ۱۷۲)؛ یعنی قصاص تنها در شرایط عدالت و نزدیک به مساوات کامل از نظر کم و کیف امکان‌پذیر است و تمام جوانب آن باید مورد بررسی قرار گیرد. گرچه به حکم آیه فوق، باید با جانی همان معامله‌ای بشود که او با مجنی علیه کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۴ق، ج ۵، ص ۳۴۴) اما این کار به‌سادگی نبوده و تفصیل و جزئیات دقیقی در این زمینه وجود دارد که جوانب بیشتری از عدالتی را که ظاهر آیه مطرح نموده است می‌رساند و مطالعه آن‌ها در کتب فقهی خالی از لطف نیست. به‌عنوان نمونه، مطابق با ماده ۴۰۱ قانون مجازات اسلامی، جنایاتی که به مغز سر انسان وارد آمده باشد قابلیت قصاص ندارد؛ زیرا ممکن است به جان شخص لطمه بخورد. همچنین جراحاتی از قبیل کوبیدن گوشت یا جدا شدن استخوان یا هر جراحت دیگری که خطر تلف شدن داشته باشد، قصاص‌پذیر نیستند و باید دیه آن‌ها پرداخته شود (طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۳۰۹).

در مجموع، آنچه از آیات مطرح شده به‌دست می‌آید این است که در تشریح حکم قصاص به‌عنوان یکی از قوانین اسلامی، رعایت «عدالت» - چه در «موضع و اندازه»، و چه در «شرایط» - به‌صورت ویژه مورد توجه شارع قرار گرفته است و اگرچه قتل، محروم کردن یک انسان از ادامه حیات و ظلمی بزرگ است، اما در استیفای حقوق مقتول، نباید مجدداً ظلم دیگری در حق قاتل روا داشت. از این رو، عدم امکان تقاص در برخی جنایات به‌دلیل بیم سرایت (همچون نمونه‌هایی که ذکر شد)، از جمله موارد رعایت عدالت در «شرایط» قصاص است. قرآن کریم با تأکید بر اهمیت این مسئله، خواستار برقراری مساوات و تناسب میان جرم و مجازات از هر جهت می‌باشد (ر.ک: بقره: ۱۹۴؛ نحل: ۱۲۶).

۵- عدالت در قصاص از منظر نهج البلاغه

امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام، به‌عنوان حاکم جامعه اسلامی همواره بر مسئله عدم تبعیض و رعایت عدالت در تمام ابعاد آن تأکید نموده است. در خطبه‌ها یا سخنان ایشان، اهمیت عدالت‌ورزی با مردم به‌عنوان یکی از ارکان اساسی و مهم حکومت اسلامی جلوه بارزی دارد (ر.ک: سید رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۵، ص ۵۷: فَإِنَّ فِي الْعَدْلِ سَعَةً، وَ مَنْ ضَاقَ عَلَيْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَيْهِ أَضْيَقُ، وَ نَامَهُ ۵۳، ص ۴۳۳: إِنَّ أَفْضَلَ قُرَّةِ عَيْنِ الْوُلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ؛ تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۹: الْعَدْلُ أَقْوَى أَسَاسٍ). وقایع دوران زندگی حضرت نیز شاهدی بر قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری‌های عادلانه ایشان در تمام زمینه‌های فردی و اجتماعی است (ر.ک: سید رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۱۲۶، ص ۱۸۳)؛ به‌نحوی که حتی پس از گذشت سال‌ها از دوران زندگی حضرت، هیچ نمونه مشابهی را نمی‌توان یافت که همانند او در برقراری عدالت کوشیده باشد.

از دیدگاه امام علیه السلام، اصلی که باعث حفظ تعادل در اجتماع می‌شود و رضایت، سلامت و آرامش مردم را به همراه می‌آورد «عدالت» است (مطهری، ۱۳۷۹، ص ۱۲۱-۱۲۲، ۱۲۶-۱۲۷)، به همین دلیل پایه‌های حکومت خود را بر مبنای عدل بنا نهاد و همواره در اجرای این اصل مهم می‌کوشید. همچنین فرمود: «إِنَّ السُّلْطَانَ لَأَمِينُ اللَّهِ فِي الْخَلْقِ وَ مُقِيمُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ وَ الْعِبَادِ وَ وَرَعَتْهُ فِي الْأَرْضِ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۲۴۲)؛ یعنی زمامدار، امین خدا در روی زمین و برپادارنده عدالت در جامعه و عامل جلوگیری از فساد و گناه در میان مردم است.

گرچه حکومت مشروع امام علیه السلام از پنج سال تجاوز نکرد اما در همین مدت کم، آوازه عدالتش چنان شهره همگان گشت که تا هم‌اکنون نیز پیام عدل او جهانی است. دور از انتظار نیست شخصیتی همچون علی علیه السلام حتی پس از وفات خود نیز دغدغه اجرای عدالت و خوف از نابرابری در ادای حقوق مردم داشته باشد. او که تمام مدت حکومتش را به انحاء و اشکال مختلف صرف رسیدگی به مسائل و امور جامعه آن زمان نموده بود، به شدت از مشاهده کوچک‌ترین ناحقی برآشفته می‌شد (ر.ک: رحمت کاشانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۵۵ و ۲۵۹)، تا جایی که فرمود: «وَاللَّهِ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاكِهَا عَلَيَّ أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمَلَةٍ أَسْلُبُهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ»؛ به خدا قسم! اگر هفت اقلیم را با آنچه زیر آسمان‌هاست به من دهند تا از فرمان خدا سرپیچی کنم به طوری که پوست جوی را از دهان مورچه‌ای به ناحق بگیرم، چنین نخواهم کرد (سید رضی، ۱۳۸۸، خطبه ۲۲۴، ص ۵۰۱). همچنین عدالت را رأس ایمان و جمع‌کننده خوبی‌ها (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰، ص ۹۰) می‌دانست و هنگامی که از او درباره ایمان سوال شد، فرمود: «الْإِيمَانُ عَلَيَّ أَرْبَعِ دَعَائِمٍ؛ عَلَيَّ الصَّبْرُ وَ الْيَقِينُ وَ الْعَدْلُ وَ الْجِهَادُ» (سید رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۳۱، ص ۴۷۳)؛ ایمان بر چهار ستون استوار است: صبر، یقین، عدل و جهاد.

امام علی علیه السلام نماد بارز عدل، انصاف، حق و مساوات شناخته شده است؛ تا جایی که حتی برخی درباره‌اش گفته‌اند: «قُتِلَ فِي مُحَارَبَةِ لَشْدَةِ عَدْلِهِ» (قزوینی، ۱۳۷۱، ص ۹۷)؛ یعنی قاتل او همان عدل و مساواتش شد! پایبندی و توجه ویژه به رعایت عدالت در جوانب مختلف زندگی، به عنوان یکی از اصول اخلاقی امام علیه السلام در دوران حیاتش، نمود برجسته‌ای در نهج البلاغه دارد. به گواهی تاریخ و نیز بر طبق سخنان خود حضرت می‌توان گفت که از نگاه وی، همه افراد بدون استثنا در برابر قانون یکسان‌اند. انعکاس تام این باور، در رفتار و گفتار ایشان به وضوح نمایان است (ر.ک: سید رضی، ۱۴۱۴، نامه ۵۳، ص ۴۲۹: «وَلْيَكُنْ أَحَبَّ الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَوْسَطُهَا فِي الْحَقِّ وَ أَعْمُهَا فِي الْعَدْلِ وَ أَجْمَعُهَا [لِرِضًا] لِرِضَى الرَّعِيَةِ») و از این جهت، الگویی برای رهبران و حاکمان بعدی شناخته می‌شود.

پرهیز از افراط، تفریط یا هرگونه جانبداری نابجا در تمام امور و در زمینه‌های قضایی مرتبط با حقوق افراد یا اجتماع، همچون مسئله قصاص و استیفای حقوق مقتول از قاتل به عنوان یکی از قوانین ضامن سلامت جامعه، آن‌گونه که در نامه ۴۷ نهج البلاغه هویدا است، بیانگر مشی زندگی عادلانه و منصفانه حضرت است که تصویر روشنی از حق‌مداری و عدالت‌محوری ایشان را به نمایش گذارده است.

۵- ۱- نامه ۴۷ نهج البلاغه

روحیه عدالت خواهی امام علیه السلام تا آخرین لحظات عمر حضرت ادامه داشت و حتی با وجود ضربت خوردن به دست دشمن، باز هم ذره‌ای از عظمت و سعه صدر او نکاست و چنان‌که در وصیت به فرزندشان (سید رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۴۷، ص ۴۲۲)، امام حسن مجتبی علیه السلام، آمده است ایشان دستور به رعایت عدالت در کیفیت قصاص قاتل خویش می‌دهد تا مبادا ناراحتی‌ها از غم این فراق، موجب خشم بیش از حد و در نتیجه، بی‌عدالتی در خون خواهی ایشان گردد. همچنین از دیگر عبارات حضرت در این باره چنین برداشت می‌شود که امام علیه السلام تمایل به عفو نیز داشته است: «إِنْ أَبَقَ فَأَنَا وَلِيُّ دَمِي وَإِنْ أَفَنَ فَأَلْفَنَاءُ مِيعَادِي وَإِنْ أَعْفُ فَاَلْعَفُو لِي قُرْبَةٌ وَهُوَ لَكُمْ حَسَنَةٌ...»؛ اگر [با این ضربتی که به من زده است] زنده ماندم، خودم صاحب خون هستم [و تصمیم با من است] و اگر از دنیا رفتم، مرگ جایگاه رفتن من است. اگر او را ببخشم، نزدیکی به خدای متعال را برای من فراهم می‌آورد و [الگوی] خوبی برای شما خواهد بود (سید رضی، ۱۳۸۸، نامه ۲۳، ص ۵۴۶). اما از آنجاکه شرایط محیط زمانه هرگز آماده پذیرش این بخشش نبود، ایشان به حداقل امر قصاص توصیه می‌فرماید: «أَلَا لَا تَقْتُلُنَّ بِي إِلَّا قَاتِلِي أَنْظَرُوا إِذَا أَنَا مِتُّ مِنْ ضَرْبَتِهِ هَذِهِ فَاصْرُبُوهُ ضَرْبَةً بِضَرْبَةٍ وَلَا تَمَثَّلُوا بِالرَّجُلِ...»؛ بدانید تنها باید قاتل من کشته شود. نگاه کنید! اگر من از این ضربت از دنیا رفتم، تنها یک ضربت به او بزنید تا ضربتی در برابر ضربتی باشد. بدن این مرد را قطعه‌قطعه نکنید (همان، نامه ۴۷، ص ۶۰۷).

کلام امام علیه السلام به روشنی گویاست که حضرت، اولیای دم و نزدیکانشان را از کشتن کسی جز ضارب خود نهی فرموده است؛ چه اینکه ممکن بود عده دیگری نیز به سبب اتهام به همکاری، همدستی یا مشارکت با قاتل ایشان مورد بازخواست و قصاص قرار بگیرند. این قضیه در طول تاریخ بارها اتفاق افتاده است که وقتی شخص بزرگ یا پادشاهی کشته می‌شود، گروهی از روی تعصب دست به کشتار وسیعی می‌زنند و گروه دیگری نیز فرصت را برای تسویه حساب‌های شخصی غنیمت شمرده، مخالفان خود را با این بهانه به قتل می‌رسانند. ولی امام علی علیه السلام با پیش‌بینی حکیمانه مانع از ایجاد هرج و مرج در خون خواهی شده و جلوی هرگونه اقدام ناعادلانه را می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۰، ص ۲۸۸).

سپس، با عبارت «أَنْظَرُوا... هَذِهِ» هشدار می‌دهد تا قصاص ضارب در صورتی انجام پذیرد که یقین کنند علت فوت حضرت، بر اثر همان ضربه بوده است و اگر به دلیل دیگری مرگ فرا رسد، قصاص جایز نیست. همچنین، دستور می‌دهد تا این ملجم را در برابر ضربتی که زده است، تنها یک ضربت بزنند و مثله نکنند؛ چراکه اقتضای عدل و داد چنین است (ابن میثم، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۱۲۳-۱۲۴؛ موسوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۴۹۱). تمام سخنان امام علیه السلام اشاره به مماثله و همانندی در قصاص، بدون هیچ زیادتی دارد (مؤید، ۱۴۲۴ق، ج ۵، ص ۲۴۸۲).

نکته دیگر آنکه، بر اساس منابع تاریخی نقل شده است ابن ملجم مرادی پس از سوء قصد به جان امام علیه السلام، به ایشان گفت: «من چهل روز شمشیر خود را تیز کردم و از خدا خواستم که بدترین خلش با آن به قتل برسد». امام علیه السلام نیز در پاسخ فرمود: «(درست گفتی) تو را که بدترین خلق خدا هستی با شمشیر خودت قصاص خواهند کرد!» (طبری، ۱۴۱۳ق، ج ۵، ص ۷۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۳، ص ۳۹۰). بنابراین، ابن ملجم با تیغ تیز شمشیر خودش - که فرق حضرت را با آن شکافته بود - قصاص شد تا از این جهت هم، عدالت به معنای اتم و اکمل آن تحقق یابد.

حتی امام علیه السلام با اینکه می دانست چه کسی در نهایت ایشان را به شهادت خواهد رساند، هیچ گاه دست به قصاص پیش از جنایت نزد و گرچه خود، ابن ملجم را به این قتل آگاه کرده بود و او نیز در جواب، از امام علیه السلام خواسته بود که اگر چنین خواهد شد، همان لحظه جان او را بگیرد؛ ولی امام علیه السلام این عمل را جایز ندانسته و اقدامی نکرد (مجلسی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۷۵).

بنابر موارد فوق باید گفت اگر از سخنان امام علیه السلام درباره عفو و بخشش قاتلش صرف نظر شود، عبارت «ضَرْبَةً بِضَرْبَةٍ» خود تداعی گر آیات کلام وحی در مسئله قصاص است و همان گونه که پیشتر نیز اشاره شد، قرآن کریم به رعایت عدالت در قصاص از جمیع جهات عنایت ویژه ای دارد. این همسانی بسته به شرایط و جایگاه مقتول منعطف نیست و اقتضای دادگری چنین است که وی هر چند دارای موقعیتی خاص در اجتماع باشد، اما نحوه رفتار با قاتل او متناسب با همان جنایتی در نظر گرفته شود که بر روی مقتول مرتکب شده است. در اینجا نیز امام علی علیه السلام اشاره می کند تا هیچ گاه به بهانه اینکه پیشوای مؤمنان به قتل رسیده است، حق ندارید از روی احساسات و هیجانات آشوب به پا کرده و عده زیادی از خاندان قاتل را بکشید؛ بلکه فقط همان شخص را بر اساس جنایتی که انجام داده است، قصاص کنید.

همه این توصیه های پیش از وفات ایشان را می توان نشئت گرفته از تعالیم و آموزه های وحیانی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دانست که در آن به شدت بر رحمت، رأفت، انسانیت، عدالت و استیفای حقوق فردی و اجتماعی افراد جامعه تأکید می شود. آن گونه که در تاریخ گزارش شده است، دوران حکومت امام علی علیه السلام مملو از بی وفایی و بی مهری کوفیان یا سستی یاران سپاه اسلام بود که بارها موجب دلگیری (رحمت کاشانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۱۷) و رنجش خاطر امام علیه السلام (سید رضی، ۱۴۱۴ق، خطبه ۳۴، ص ۷۸ و خطبه ۳۹، ص ۸۱-۸۲) گردید؛ اما این مسئله باعث نشد که حضرت از اصول حکمرانی خود عقب نشینی نموده یا در اجرای احکام اسلامی نسبت به مردم جامعه کوتاهی ورزد؛ بلکه تا واپسین ساعات باقی مانده از عمر خود نیز، همچنان در اندیشه تحقق عدالت، حتی نسبت به مجازات قاتل خویش بود! بنابراین، آنچه روشن است، دغدغه اجرای عدل در حکومت علوی و اجتناب از کوچک ترین ظلم یا نادیده گرفتن حقوقی است که خداوند متعال، به طور فطری برای تمامی انسان ها در نظر گرفته است و امام علی علیه السلام نیز، علی رغم تمامی فراز و فرودها در دوران مسئولیت خویش، هیچ گاه از این امر مهم فروگذار نکرد.

۶- قصاص عادلانه در نظام حقوقی ایران

پایه حقوق و قوانین در کشور ایران، مبتنی بر اصول اسلامی است؛ اما در برخی موارد به نظرات دکترین و متفکران حقوقی نیز استناد کرده است. به طور کلی، منابع حقوق ایران به دو دسته اصلی و فرعی قابل تقسیم است که «فقه اسلامی» از منابع اصلی آن به‌شمار می‌رود. مقررات قصاص در قانون مجازات ایران، بر اساس نظرات فقهی است که تأمین‌کننده عدالت نیز باشد. برای نمونه، همان‌گونه که پیشتر بیان شد، تمام جنایات عمدی لزوماً منتهی به قصاص نیست. در برخی موارد به دلیل عدم امکان اجرای قصاص، مجرم به دیه و تعزیر بدل از قصاص محکوم خواهد شد. زنده بودن، تساوی در دین و عقل، و فقدان نسبت پدری با مجنی‌علیه از شرایط عمومی قصاص به‌شمار می‌رود و علاوه بر شرایط مذکور، شرایطی اختصاصی مانند تساوی در محل و مقدار، سلامت، کمال و اصالت نیز باید رعایت گردد. به همین دلیل، چشم راست را نمی‌توان برابر چشم چپ قصاص کرد، زیرا در محل متفاوت است؛ و یا عضو اصلی را نمی‌توان برابر عضو زائد (مانند دندان اضافی) قصاص کرد، چراکه در مقدار متفاوت است. همچنین، حفظ سلامت جانی محکوم‌علیه نیز حین اجرای قصاص عضو لازم است و نباید خوف تلف شدن مجرم یا ایراد صدمه بر عضو دیگر او وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت، مرتکب به دیه و تعزیر مقرر در قانون محکوم خواهد شد (کامفر، ۱۴۰۳، ص ۲۸).

گفتنی است طبق ماده ۳۸۷ ق.م.ا، قصاص عضو صرفاً مستلزم «قطع» عضو، «جرح» و «آسیب» بر منافع مجنی‌علیه است. از این رو، مواردی چون ضرب عمدی و ایجاد تورم یا کبودی (مانند کتک‌کاری)، قصاص نداشته و مستوجب دیه و تعزیر خواهد بود. بنابراین، قصاص تنها در برخی جنایات عمدی قابل اعمال است و مقصود از «جنایت»، جرایم علیه تمامیت جسمانی است.^۱ از آنجاکه قصاص بر خلاف حدود (مغنیه، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۴۸۸-۴۸۹)، از حقوق الناس است و رعایت عدالت در تمامی جوانب آن ضروری است، باید میان ارتکاب جرم و مجازات آن سنخیت و شباهتی وجود داشته باشد (علیان و فاکر میبیدی، ۱۳۹۷، ص ۳۲) تا از هرج و مرج بین مردم در احقاق حقوق و بازپس‌گیری منافع از دست‌رفته جلوگیری شود.

همان‌گونه که بیان شد، قصاص بر خلاف حدود از زمره حقوق الناس بوده که در صورت عدم مطالبه صاحب حق یا گذشت وی، از مجرم ساقط شده و مرتکب، به دیه و تعزیر مقرر در مواد ۶۱۲ و ۶۱۴ قانون (تعزیرات) یعنی حبس از سه تا ده سال (مشروط به عدم اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه، یا بیم تجری مرتکب) محکوم می‌گردد (داستان، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۳۲۳). مطابق نظریه مشورتی ۷/۵۱۱۴-

۱. همچنین، قصاص مجازاتی است که در صورت وقوع جنایت عمد بر انسان «زنده» اعمال می‌شود؛ از این رو شامل میت و جنین (در صورت زنده نبودن) نخواهد شد. در مورد جنایت عمدی بر جنین، با توجه به ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی، دیه و تعزیر ثابت است، مگر آنکه جنین زنده متولد شود و به‌رغم امکان ادامه حیات، صرفاً بر اثر جنایت وارده فوت نماید؛ که در این صورت قصاص ثابت است. در مورد جنایت عمدی بر میت نیز، با توجه به مواد ۷۲۲ و ۷۲۳ ق.م.ا، دیه و تعزیر ثابت است و مجرم به پرداخت دیه، یا ارش معادل یک‌دهم دیه، یا ارش انسان زنده و شلاق تعزیری درجه شش محکوم خواهد شد.

۱۳۷۷/۷/۲۰، فلسفه تصویب ماده ۶۱۲ ق.م.ا آن است که هرگاه شخصی مرتکب قتل عمد شده و به هر علت قصاص نشود، اگر فعل ارتكابی سبب اخلال در نظم و امنیت جامعه باشد یا بیم تجری مرتکب رود، وی به مجازات مندرج در آن ماده محکوم گردد (کامفر، ۱۴۰۳، ص ۶۱۵).

در ادامه، برخی مصادیق تأمین عدالت در مسئله قصاص، به طور موردی در رویه حقوقی ایران بررسی خواهد شد:

الف) ماده ۲۹۰ قانون مجازات ایران به موضوع قتل عمد پرداخته است و ماده ۱۶ این قانون، «قصاص» را مجازات اصلی برای جنایات عمدی بر نفس می‌داند. با این حال، قانون‌گذار پیش‌بینی‌هایی برای موارد خاص نیز در نظر گرفته است. به عنوان مثال، اگر فردی شاکی نداشته باشد یا قاتل، پدر یا جد پدری باشد، قصاص متوجه او نخواهد بود. اما به دلیل قبح بالای جنایت انجام شده و ضرورت جلوگیری از رهایی مجرم بدون مجازات در جامعه، ترتیبی صورت گرفته است تا این مجرمان بدون تحمل عواقب جرم، به جامعه بازنگردند؛ چراکه چنین بازگشتی می‌تواند منجر به افزایش ناامنی و بروز مشکلات جدی در جامعه شود. به همین دلیل، نظام حقوقی تلاش می‌کند تا با اتخاذ تدابیر مناسب، از وقوع این دست مسائل جلوگیری نماید. همان‌طور که اشاره شد، قانون‌گذار حالات مختلفی را برای مجازات قتل عمد در نظر گرفته است. پیش‌بینی مجازات‌های متنوع برای مصادیق و وضعیت‌های متفاوت یک جرم، نشان‌دهنده اهمیت عدالت در سیستم و نظام حقوقی ایران است؛ زیرا این رویکرد علاوه بر حفظ حقوق جامعه، به حقوق افراد نیز توجه دارد.

ب) از دیگر جوانب رعایت عدالت در قصاص توسط قانون‌گذار، تقسیم جنایات به عمد، شبه‌عمد و خطای محض است که در مواد ۲۹۰، ۲۹۱ و ۲۹۲ قانون مجازات اسلامی به آن اشاره شده است. دلیل این تقسیم‌بندی آن است که اجرای مجازات قصاص، برای هر نوع جنایتی امکان‌پذیر نیست و لازم است که مجرم، عامدانه و با سوءنیت مرتکب جرم شده باشد؛ در غیر این صورت، مستحق قصاص نخواهد بود (ر.ک: غفوری، ۱۴۰۰، ص ۲۶۴).

بنابراین، در این مواد از قانون مجازات اسلامی نیز تمرکز بر «عدالت» به وضوح نمایان است و با توجه به شدت بالای مجازات قصاص و هدف اصلی جزا که همان پیشگیری از جرم است، در نظر داشتن نوع خطای صورت گرفته و همچنین نیت مرتکب، جلوگیری از تضییع حقوق مجرم و نیز جلوگیری از کاهش تأثیر بازدارندگی قصاص در جامعه را به همراه خواهد داشت.

ج) بحث دفاع مشروع، یکی از علل موجهه جرم می‌باشد که در ماده ۱۵۶ قانون مجازات اسلامی بدان اشاره شده است. بر اساس این ماده: «هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس، مال یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز یا خطر فعلی یا قریب‌الوقوع با رعایت مراحل دفاع، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می‌شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نمی‌شود:

۱- رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.

۲- دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد.

۳- خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.
 ۴- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر، مؤثر واقع نشود.»
 بر اساس این ماده، دفاع در مقابل تهاجم - با شرایطی - نه تنها قصاص ندارد، بلکه اصلاً جرم تلقی نمی‌شود.

همان‌گونه که از موارد فوق پیداست، قانون مجازات اسلامی ایران بر مبنای عقل و نظر شرع، جوانب مختلف وقوع جرم را در نظر گرفته و برای هریک، مجازات خاصی تعیین نموده است. این اقدام در راستای تحقق کامل عدالت و با هدف جلوگیری از تضییع حقوق افراد یا جامعه بوده و به موجب آن، هر فرد به میزان جرمی که مرتکب شده است، به مجازات متناسب خود خواهد رسید.

نتیجه‌گیری

آیات قرآن کریم و عبارات نهج البلاغه، به خوبی نشان می‌دهد که جایگاه «عدالت» در زمینه قصاص و مسائل پیرامونی آن، تا چه اندازه در دین اسلام مورد توجه است. از آن‌جاکه «قصاص» مقوله‌ای حیات‌بخش در قرآن کریم معرفی شده است، توجه به ابعاد ظریف و نهفته در جوانب اجرای این امر به منظور رسیدن به غایت مدنظر ضروری است. کلام حضرت حق و نیز امام علی علیه السلام که همواره در معیت حق بوده و جز حقیقت نمی‌گوید، به روشنی گویاست که در برخورد با ناهنجاری‌های اجتماعی همچون قتل، نباید از مسیر عدالت خارج گشت و دچار افراط و تفریط‌ها شد. حق حیات بزرگترین نعمت الهی و هرگونه سلب آن، گناهی بزرگ و نابخشودنی است؛ اما مسئله مهم بعد از این اتفاق، رعایت جوانب عدالت در استیفای حقوق مقتول از قاتل است که آیات مختلفی از قرآن کریم همچون آیه ۱۷۸ سوره بقره، آیه ۴۵ سوره مائده و نیز نامه ۴۷ نهج البلاغه اشارات هماهنگی بدان نموده‌اند و هرکدام، یادآور یکدیگر هستند. گرچه از ظاهر این آیات، مشابهت در قصاص عضو از دست‌رفته یا جراحات وارد شده به نظر می‌رسد، اما باید توجه داشت «عدالت» لزوماً به معنای «یکسانی و برابری» نیست. در صورتی که با قصاص مشابه، ضارب ضرر جانی بیش از آنچه که به شخص مقابل وارد کرده است ببیند، اجرای قصاص ممکن نبوده و به اخذ دیه از او اکتفا خواهد شد. قوانین و مقررات قصاص در قانون مجازات ایران نیز که بر اساس نظرات فقهی و با هدف تأمین عدالت وضع شده است هم در همین راستا بوده و با لحاظ مواردی چون «در نظر داشتن شرایط خاص به هنگام ارتکاب قتل»، «تقسیم جانیات به عمد، شبه‌عمد و خطای محض» و «مشروعیت دادن به دفاع از خود یا دیگران در برابر هرگونه تجاوز»، عدالت را در ابعاد حقوقی آن اجرا نموده است.

فهرست منابع

- قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی (۱۳۸۹). قم: امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
کتاب مقدس، ترجمه: قدیم (۱۹۹۵م). بی جا: ایلام.
۱. ابن اثیر، ابوالحسن علی بن محمد شیبانی جزری (۱۳۸۵ق). الکامل فی التاریخ، بیروت: دار صادر.
 ۲. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
 ۳. ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الاعلام الإسلامی.
 ۴. ابن میثم، میثم بن علی (۱۴۰۴ق). شرح نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر کتاب.
 ۵. انصاریان، حسین (۱۳۹۸). تفسیر حکیم، قم: دار العرفان.
 ۶. بروجردی، مصطفی (۱۳۹۷). تفسیر شمس، قم: بوستان کتاب.
 ۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق). غرر الحکم و درر الکلم، قم: دار کتاب الإسلامی.
 ۸. جعفری، یعقوب (۱۳۹۸). تفسیر کوثر، قم: هجرت.
 ۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۴۳۶ق). تسنیم فی تفسیر القرآن الکریم، قم: دار الإسراء.
 ۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). الصحاح (تاج اللغة و صحاح العربیة)، بیروت: دار العلم للملایین.
 ۱۱. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
 ۱۲. حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی تا). تفسیر روح البیان، بیروت: دار الفکر.
 ۱۳. داستان، زهرا (۱۴۰۳). آموزش جامع حقوق جزا، تهران: مکتوب آخر.
 ۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار القلم.
 ۱۵. رحمت کاشانی، حامد (۱۴۰۴). قبله کعبه زاد، قم: دفتر نشر معارف.
 ۱۶. رضا، محمد رشید (۱۴۱۴ق). تفسیر القرآن الحکیم الشهیر بتفسیر المنار، بیروت: دار المعرفة.
 ۱۷. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۷). تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش های تفسیر و علوم قرآن.
 ۱۸. سید رضی، نهج البلاغه (۱۴۱۴ق). تحقیق: صبحی صالح، قم: دار الهجرة.
 ۱۹. سید رضی، نهج البلاغه (۱۳۸۸). ترجمه: علی اکبر میرزایی، قم: عصر غیبت.
 ۱۸. طالقانی، محمود (۱۳۶۲). پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار.
 ۱۹. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۳ق). المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
 ۲۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۴ق). المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۵، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات.
 ۲۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة.
 ۲۲. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق). تاریخ الطبری. بیروت: مؤسسه عزالدین.
 ۲۳. علیان، عیسی؛ فاکر میبدی، محمد (۱۳۹۷). «تناسب جرم و مجازات بر اساس آیات قصاص»، مطالعات تفسیری، شماره ۳۶، صص ۲۹-۴۶، DOR: 20.1001.1.22287256.1397.9.36.2.2.
 ۲۴. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیة.



۲۵. غفوری، احمد (۱۴۰۰). شرح آزمون قانون مجازات اسلامی، تهران: آریاداد.
۲۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین، قم: هجرت.
۲۷. فضل الله، محمدحسین (۱۴۳۹ق). من وحی القرآن، بیروت: دار الملائک.
۲۸. قرائتی، محسن (۱۳۸۸). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۹. قزوینی، عبدالکریم بن محمدیحیی (۱۳۷۱). بقاء و زوال دولت در کلمات سیاسی امیر مؤمنان علیه السلام، تصحیح: رسول جعفریان، قم: کتابخانه آیت الله العظمی مرعشی نجفی.
۳۰. کامفر، بهداد (۱۴۰۳). دوره پیشرفته حقوق جزا عمومی و اختصاصی، تهران: اندیشه نوین پژوهش.
۳۱. مؤید، یحیی بن حمزه (۱۴۲۴ق). الدیباغ الوضی، صنعا: مؤسسة الإمام زید بن علی الثقافية.
۳۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۸ق). شرح نهج البلاغة المقتطف من بحار الأنوار، تنظیم: علی انصاریان، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی؛ مؤسسة الطبع و النشر.
۳۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۹). سیری در نهج البلاغه، تهران: صدرا.
۳۴. مغنیه، محمدجواد (۱۳۸۶). تفسیر کاشف، ترجمه: موسی دانش، قم: بوستان کتاب.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). پیام امام امیرالمؤمنین علیه السلام، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۶. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰). تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۳۷. موسوی، عباس علی (۱۴۱۸ق). شرح نهج البلاغة، بیروت: دار الرسول الأکرم صلی الله علیه و آله.
۳۸. نوری، حمیدرضا (۱۳۹۴). «بررسی آیات قصاص و وجوه حیات بخشی آن»، مطالعات تفسیری، شماره ۲۱، صص ۷-۲۸، DOR: 20.1001.1.22287256.1394.6.21.1.0.
۳۹. هاشمی علی آبادی، سیداحمد؛ حسن زاده، محمدجواد (۱۴۰۰). «بررسی اخلاقی فضیلت عدالت در آیات الاحکام با رویکرد تحلیل اخلاقی آیات قصاص»، اخلاق و حیانی، شماره ۲۰، صص ۱۶۹-۱۹۷، DOI: 10.22034/ethics.2021.135386.
۴۰. وبسایت مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی به نشانی www.rc.majlis.ir